

«فرهیختگان» درونمایۀ سریال های ۵ سال اخیر شبکهٔ نمایش خانگی را بررسی می‌کند

غیبت طبقهٔ متوسط حتی در پلتفرم



مریم فضائی

خبرنگار گروه فرهنگ

در سال‌های اخیر، سریال‌های نمایش خانگی در ایران نه‌تنها به‌عنوان رقیبی جدی برای تلویزیون و سینما مطرح شده‌اند، بلکه به بخشی از سبک زندگی بسیاری از مخاطبان نیز راه یافته است. اما با نگاهی دقیق‌تر به روند تولید و محتوای این آثار، می‌توان نشانه‌ای آشکار از کم‌رنگ شدن و حتی حذف تدریجی «طبقهٔ متوسط» مشاهده کرد: طبقه‌ای که همواره نقش محوری در بازنمایی واقعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه داشته. داستان‌های سریال‌های شبکه نمایش خانگی اغلب در بستر زندگی لوکس و پرزرق و برق روایت می‌شوند یا بر زندگی حاشیه‌نشینان و طبقات فرودست تمرکز دارند. در حالی که تجربه‌های زیست‌قشر میانی جامعه‌که می‌تواند پلی میان این دو قطب باشد، کمتر دیده می‌شود. چنین غیاب معناداری نه‌تنها شکافی در روایت اجتماعی ایجاد می‌کند، بلکه تصویر جامعه‌ای یک‌دست و غیر واقعی را به مخاطب القا می‌کند. در این گزارش، سراغ سریال‌های پنج سال اخیر شبکه نمایش خانگی رفتیم تا ببینیم طبقه متوسط کجای این سریال‌ها قرار دارد. آیا صرفاً بیننده است یا خودش را می‌تواند در این آثار ببیند؟

حواستان به طبقهٔ متوسط است؟

طبقه متوسط تنها به بعد اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ سبک زندگی، تحصیلات، شغل و حتی سلیقه‌های فرهنگی آن‌ها هم باید در این تعریف لحاظ شوند. این افراد معمولاً اهل مطالعه و یادگیری اند و در آموشان را صرف تجربه‌های فرهنگی مانند سینما، تئاتر و کنسرت می‌کنند، به همین دلیل، سبک زندگی متمایزی دارند و ارزش‌هایی مثل پیشرفت فردی، احترام به قانون و ثبات اجتماعی برایشان اهمیت دارد. از س‌سوی دیگر، آن‌ها اغلب موتور تغییرات اجتماعی و سیاسی جامعه‌اند؛ چراکه هم آگاهی دارند و هم صدایشان معمولاً شنیده می‌شود. به همین دلیل، می‌توان گفت طبقه متوسط ستون فقرات جامعه است؛ نیرویی که اقتصاد، فرهنگ و سیاست را به حرکت درمی‌آورد و شکل دهنده زندگی روزمره بخش بزرگی از مردم است.

طبقه متوسط ستون اصلی جامعه ایران است؛ نه آن‌قدر ثروتمند که در برج‌های بالا شهر زندگی کند و نه آن‌قدر محروم که هر روز با بیکاری و فقر مطلق دست و پنجه نرم کند. اگر سریال‌ها خبری از این طبقه نداشته باشند، مخاطب با شکافی عمیق روبه‌رو می‌شود؛ داستان‌هایی تنها در دنیای لوکس و غیرقابل دسترس طبقه بالا می‌گذرند یا در فضایی تیره‌فقر مطلق. در هر دو حالت، زندگی واقعی بخش بزرگی از جامعه از قاپ تصویر حذف می‌شود.

پیامد چنین حذف یا کم‌رنگ‌سازی‌ای روشن است: تماشاگر طبقه متوسط به تدریج احساس می‌کند س‌ریال‌ها از او نیستند و برای او ساخته نشده‌اند. مخاطبی که چندین سریال با موضوعات مشابه می‌بیند، وقتی متوجه می‌شود هیچ نشانی از زندگی خودش در آنها وجود ندارد، پس از مدتی تماشا‌ی آثار را رها می‌کند و این رها کردن در نتیجه دلسردی و ناامیدی از ندیدن بازتاب زندگی خودش در این آثار است.

بازنمایی طبقه متوسط تنها به واقعی‌تر شدن سریال‌ها کمک نمی‌کند، بلکه امکان گفت‌وگو در باره مسائل مشترک و تجربه جمعی را نیز فراهم می‌کند؛ از دغدغه‌های اقتصادی گرفته تا روابط خانوادگی و تحولات فرهنگی. به همین دلیل است که اهمیت پرداختن به طبقه متوسط در سریال‌ها نه یک انتخاب هنری، بلکه ضرورتی برای حفظ ارتباط میان رسانه و جامعه است. نمایش دغدغه‌های این طبقه از بحران‌های خانوادگی و نسلی تا فشارهای اقتصادی و چالش‌های فرهنگی سریال‌ها را به تجربه‌ای مشترک بدل می‌کند؛ تجربه‌ای که هم مخاطب می‌تواند در آن خود را باز شناسد و هم سازندگان به واقعیت نزدیک‌تر شوند و در نهایت، معامله‌ای دو سر سود را رقم می‌زنند.

ماجرای طبقه متوسط و شبکهٔ نمایش خانگی

در این گزارش از سال ۱۳۹۹ تا سال ۱۴۰۴ به تولیدات چهار پلتفرم شناخته‌شده (فیلمو، نماوا، فیلم‌نت و استارنت) پرداخته‌ایم. در این پنج سال، بیش از ۶۰ سریال ساخته شده است. در این میان، بخش قابل قبولی از این تولیدات مورد توجه مخاطبان قرار گرفتند و مردم انتخاب کردند تا آن را ببینند. اما طبقه متوسط کجای این تولیدات بود؟ به‌طور کلی، برآیند سریال‌های موردنظر بیش از هر چیز بر اختلاف طبقاتی متمرکز بوده؛ اما این اختلاف نه به



فیلم‌نت

معنای پرداختن عمیق به مشکلات، معضلات و شرایط واقعی زندگی اقشار مختلف، بلکه بیشتر به‌عنوان ابزاری به کار گرفته شده که بتواند وجه دراماتیک داستان را کم و بیش (و بر مبنای شخصیت‌پردازی دقیق یا حتی کلیشه) پیش ببرد. برای مثال س‌ریال‌هایی که از همین فرمول استفاده کرده‌اند و مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ تاسسیان، یاغی، جزیره، دراکولا، آبان و... را می‌توان نام برد. از طرف دیگر، بخشی از سریال‌ها قاب دوربین خود را روی یک جامعه فرادستی تنظیم و تلاش کرده‌آن‌ها را بیشتر نشان دهد. سریال‌هایی مثل «گردن زنی»، «زخم کاری»، «بازنده»، «دفتر یادداشت» و... یا خاستگاه کاراکترها را جامعه فرادستی تنظیم کرده‌اند یا دغدغه‌ها، مسکن، فراغت شخصیت‌ها مربوط به این طبقه اجتماعی است. از آن طرف طبقه فرودست هم به همین روش در مقابل دوربین‌های سازندگان قرار می‌گیرد و بر مبنای نگاه کارشناسان، روایت عمیقی از این طبقات به نمایش نمی‌گذازد.

شرایط اقتصادی

شاید بد نباشد نگاه اقتصادی را هم لحاظ کنیم. طبقه متوسط همواره به دلیل تعداد بالای اعضا و نقش اثرگذار در تحولات اجتماعی و سیاسی مورد توجه پژوهشگران بوده است. در تعریف کلاسیک، این طبقه بین طبقات بالا و پایین جامعه قرار دارد؛ نه آن‌قدر ثروتمند که در رده اشراف و زمین‌داران باشد و نه آن‌قدر فقیر که در زمره کارگران و کشاورزان قرار گیرد. بااین حال، تحولات اقتصادی دهه ۹۰ وضعیت طبقه متوسط ایران را به‌طور جدی دستخوش تغییر کرد. این طبقه که پیش‌تر پویا و جریان‌ساز بود، با ریزش عمیق مواجه شد و بخش بزرگی از آن به زیر خط فقر سقوط کرد. بررسی آمارها نشان می‌دهد جمعیت زیر خط فقر از حدود ۱۷ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ به ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۹ و حدود ۳۰ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. درصد جمعیتی که زیر ۲۱۰۰ کالری در روز مصرف می‌کنند، از ۳۳ تا ۳۸ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ به حدود ۶۰ درصد در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته سهم طبقه متوسط از جمعیت کشور که از حدود ۳۰ درصد در دهه ۷۰ به ۵۷ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ رسیده بود، تا سال ۱۳۹۹ به حدود ۳۵ درصد کاهش یافته است. این داده‌ها نشان می‌دهد قدرت خرید واقعی خانوارهای شهری نیز به‌طور محسوس افت کرده است. سقوط اقتصادی طبقه متوسط نتیجه مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان بوده است؛ تحریم‌ها و نوسانات ارزی، جهش‌های تورمی مداوم، عدم تناسب افزایش حقوق و دستمزد با نرخ تورم، جهش شدید قیمت زمین، مسکن و اجاره و رشد اقتصادی ناچیز در دهه ۹۰ همه دست به‌دست هم داده‌اند تا قدرت خرید و ثبات اقتصادی این طبقه به‌شدت کاهش یابد. این شرایط باعث شده هزینه‌های اصلی زندگی، به‌ویژه مسکن، سهم بیشتری از در آمد خانوارها را به خود اختصاص دهد؛ به‌طوری‌که سهم مسکن از هزینه‌های خانوار شهری از ۲۸ تا ۳۰ درصد در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته و در استان تهران این سهم از ۳۹ تا ۴۰ درصد به ۵۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

این آمارها نشان می‌دهد طبقه متوسط ایران نه‌تنها کوچک‌تر شده، بلکه از نظر اقتصادی نیز با چالش‌های جدی روبه‌روست و پیامدهای آن بر زندگی روزمره، قدرت خرید و ثبات اجتماعی این بخش از جامعه کاملاً محسوس است.

نماوا

این آمارها نشان می‌دهد طبقه متوسط ایران نه‌تنها کوچک‌تر شده، بلکه از نظر اقتصادی نیز با چالش‌های جدی روبه‌روست و پیامدهای آن بر زندگی روزمره، قدرت خرید و ثبات اجتماعی این بخش از جامعه کاملاً محسوس است.

نگاهی به طبقات اجتماعی در سریال های ۵ سال اخیر شبکه نمایش خانگی			
پانچترم	سریال	سال تولید	برآیند کلی نگاه سریال به طبقه
	دختران کوچه غم	۱۴۰۳	نگاه روایت سریال با توجه به خاستگاه کاراکترها و لوکیشن‌های سریال روی طبقه متوسط و طبقه ضعیف درآمدی ارزیابی می‌شود
	پوست شیر	۱۴۰۱	نگاه سریال با توجه به خاستگاه کاراکترها و مشاغلشان با تمرکز به طبقه متوسط و فرودست اجتماعی ارزیابی می‌شود
	خون سرد	۱۴۰۱	تمرکز اصلی‌اش روی شکاف‌های طبقاتی است با این حال موتور محرک داستان طبقه متوسط است
	افعی تهران	۱۴۰۳	محرک اصلی روایت طبقه متوسط جامعه است و جدای از آن طبقه بالا و پایین جامعه نیز در داستان درگیر است
	مرداب	۱۴۰۲	تمرکز روایت روی شکاف طبقاتی است اما موتور محرکه داستان طبقه فرودست است
	قهوه ترک	۱۴۰۲	تمرکز روایت روی طبقه متوسط است که دچار مهاجرت می‌شود
	سیاه چاله	۱۴۰۲	تمرکز اصلی سریال روی طبقه فرودست جامعه است
	دفتر یادداشت	۱۴۰۲	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	گردن زنی	۱۴۰۳	سریال روی شکاف طبقاتی تمرکز کرده اما موتور محرکه داستان شخصیت‌های اصلی مربوط به طبقه مرفه جامعه هستند
	آمرلی	۱۴۰۳	سریال درباره جامعه‌ای خارج از کشور روایتش را پیش می‌برد و نمی‌توان آن را در چهارچوب تقسیم‌بندی طبقاتی داخل کشور بررسی کرد
	وحشی	۱۴۰۳	تمرکز اصلی سریال روی طبقه فرودست جامعه است
	داربوش	۱۴۰۳	تمرکز اصلی سریال روی طبقه فرودست جامعه است
	در انتهای شب	۱۴۰۳	تمرکز اصلی داستان روی طبقه متوسط است
	از یاد رفته	۱۴۰۴	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و فرودست متمرکز شده است
	اجل معلق	۱۴۰۴	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است
	قهوه پداری	۱۴۰۳	سریال روی تغییر طبقاتی متمرکز است و درباره تغییر از طبقه بالا به طبقه متوسط جامعه تمرکز کرده است
	شغال	۱۴۰۴	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و فرودست متمرکز شده است
	محکوم	۱۴۰۴	سریال روی طبقه مرفه جامعه متمرکز است
	شکارگاه	۱۴۰۴	با توجه به دوره تاریخی نمی‌توان روی تقسیم‌بندی طبقاتی شهری، درباره این سریال اظهار نظر کرد
	حیثیت گمشده	۱۴۰۲	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و فرودست متمرکز شده است
	می‌خواهم زنده بمانم	۱۳۹۹	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	قطب شمال	۱۴۰۳	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	یاغی	۱۴۰۱	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و فرودست متمرکز شده است
	تاسیان	۱۴۰۳	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و فرودست متمرکز شده است
	زخم کاری	۱۴۰۰	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	ساخت ایران	۱۴۰۰	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است
	گناه فرشته	۱۴۰۲	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	بازنده	۱۴۰۳	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	رهایم کن	۱۴۰۱	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	نیشان آبی	۱۴۰۰	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است
	جزیره	۱۴۰۰	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و متوسط متمرکز شده است
	جبران	۱۴۰۰	با توجه به دوره تاریخی نمی‌توان روی تقسیم‌بندی طبقاتی شهری، درباره این سریال اظهار نظر کرد
	بی‌گناه	۱۴۰۱	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	نیوکمپ	۱۴۰۲	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است
	ملکه گدایان	۱۳۹۹	سریال روی تغییر طبقاتی متمرکز است و درباره تغییر از طبقه بالا به طبقه ضعیف جامعه تمرکز کرده است
	جادوگر	۱۴۰۱	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است
	روزی روزگاری مرغ	۱۴۰۱	خاستگاه روایت و کاراکترها از طبقه متوسط است اما روایت ارتباطی به این طبقه ندارد
	آکتور	۱۴۰۱	خاستگاه روایت و کاراکترها از طبقه متوسط است اما روایت ارتباطی به این طبقه ندارد
	مکه تومو عمر چندتا بهاره؟	۱۴۰۲	تمرکز اصلی داستان روی طبقه متوسط است
	دراکولا	۱۴۰۰	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرا‌دست و متوسط متمرکز شده است
	سووشون	۱۴۰۳	با توجه به دوره تاریخی نمی‌توان روی تقسیم‌بندی طبقاتی شهری، درباره این سریال اظهار نظر کرد
	سیاوش	۱۳۹۹	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و فرودست متمرکز شده است
	خسوف	۱۴۰۰	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و متوسط متمرکز شده است
	خاتون	۱۴۰۰	با توجه به دوره تاریخی نمی‌توان روی تقسیم‌بندی طبقاتی شهری، درباره این سریال اظهار نظر کرد
	نوبت لیلی	۱۴۰۱	تمرکز اصلی داستان روی طبقه فرادست است
	شبکه مخفی زنان	۱۴۰۱	با توجه به دوره تاریخی نمی‌توان روی تقسیم‌بندی طبقاتی شهری، درباره این سریال اظهار نظر کرد
	مترجم	۱۴۰۲	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و متوسط متمرکز شده است
	آتن	۱۴۰۱	خاستگاه روایت و کاراکترها از طبقه متوسط است اما روایت ارتباطی به این طبقه ندارد
	عقرب عاشق	۱۴۰۲	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	داوینچیز	۱۴۰۲	خاستگاه روایت و کاراکترها از طبقه متوسط است اما روایت ارتباطی به این طبقه ندارد
	شریک جرم	۱۴۰۲	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	چنگل آسفالت	۱۴۰۳	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است
	اکازیون	۱۴۰۳	تمرکز اصلی داستان روی طبقه متوسط است
	غربت	۱۴۰۳	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است
	ازازیل	۱۴۰۳	سریال روی طبقه فرادست جامعه متمرکز شده است
	سرگیجه	۱۴۰۱	خاستگاه روایت و کاراکترها از طبقه متوسط است اما روایت ارتباطی به این طبقه ندارد
	قورباغه	۱۳۹۹	سریال روی طبقه فرودست جامعه متمرکز شده است و تقابل طبقه فرادست و متوسط را نشان می‌دهد
	گیسو	۱۳۹۹	تمرکز اصلی سریال روی طبقه مرفه جامعه است
	حرف‌های	۱۴۰۰	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرا‌دست و متوسط متمرکز شده است
	کنکل	۱۴۰۳	خاستگاه روایت و کاراکترها از طبقه متوسط است اما روایت ارتباطی به این طبقه ندارد
	جزرومد	۱۴۰۳	خاستگاه روایت و کاراکترها از طبقه متوسط است اما روایت ارتباطی به این طبقه ندارد
	آبان	۱۴۰۳	سریال روی شکاف طبقاتی و تقابل طبقه فرادست و متوسط متمرکز شده است

شیدا

در جزیره خودش سیر می‌کند و رقابتی هم با سایر طبقات ندارد.»

اغراق در سریال های نمایش خانگی زیاد است

شبکه نمایش خانگی در سال‌های اخیر سراغ داستان طبقه فرودست یا ثروتمند رفته و تمرکزش روی قشر طبقه متوسط کمتر شده. محمدی درباره این موضوع گفت: «خاطرم هست زمانی که شبکه‌های اجتماعی نبودند و مهم‌ترین رسانه مردم تلویزیون بود یکی از نقدهایی که اتفاقاً وجود داشت و بسیاری از روزنامه‌نگاران طبقه متوسط به آن اشاره داشتند، این بود که چرا تلویزیون اینقدر مرفهان را نشان می‌دهد. همه میلمان داشتند در زمانی که کسی مبل نداشت. یا آب پرتقال می‌خوردند و به قولی زندگی لا‌کچری داشتند و به این موضوعات نقد می‌شد. در طرف دیگر سریالی ساخته می‌شد که فقط تمرکز روی طبقه فرودست داشت. مثلاً رضا عطاران برای تلو یزیون سریال ماهر مضانی می‌ساخت که طبقه فرودست را نشان می‌داد. اما الان در سریال‌هایی که برای نمایش خانگی تولید می‌شود اختلاف طبقاتی فاحش‌تر می‌بینید. مثلاً آدم‌هایی که پولدار هستند و سوء استفاده مستقیم از فقرا می‌کنند.»

او در ادامه درباره اغراق در سریال‌سازی می‌گوید: «من احساس می‌کنم آن عودشسی که همه آدم‌ه‌سای جامعه به پول پیدا کردیم و پول جای بسیاری از مسائل را گرفته در هنر هم خوش را نشان داده و کارگردانان هم چیزی را می‌سازند که بعضی اوقات رؤیای آدم‌هاست که دوست دارند پولدار شوند. من نکته‌ای در این موضوع نمی‌بینم. اما

فرهیختگان

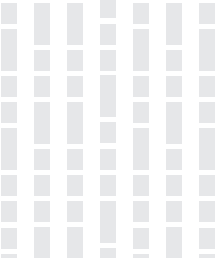
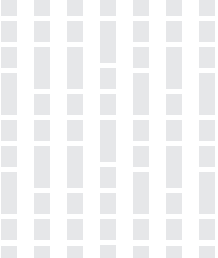
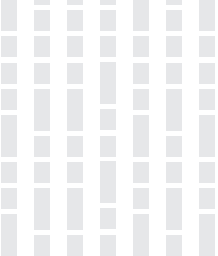
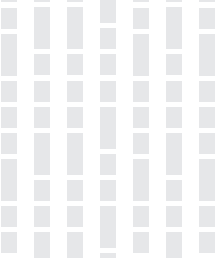
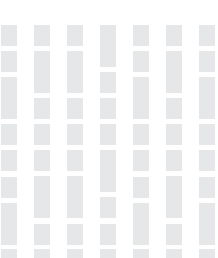
فرهیختگان

سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

شماره ۴۵۰۶

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



۱۳